





دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد
گروه: مدرسی معارف اسلامی
گرایش: آشنایی با منابع اسلامی

عنوان:

نقش والدین در رشد شخصیت فرزند
از دیدگاه قرآن

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ولی ا... نقی پور

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدعلی حسینی زاده

نگارش:

سیدمحسن حسینیان

۱۳۹۲

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از پایان نامه یا رساله برای
دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیم

به تمام انسانهایی که مشتاق رشد شخصیت خود و فرزندان خود هستند تا از این دریای بی کران معارف الهی بهره بگیرند و تقدیم به پژوهشگران محترم قرآنی تا این پژوهش زمینه ای برای تحقیقات بهتر و گسترده تر در این زمینه باشد.

تشکر و قدردانی:

سپاس از خداوند متعال که ما را در پناه قرآن و عترت قرار داد و از والدین عزیزم که با وجود سختیها و کمبودهای بسیار، زمینه های تحصیل علم و کسب معرفت را برای ما فراهم آوردند و از تمامی اساتید بزرگوارم که خالصانه ما را در جهت شناخت و درک صحیح حقایق و معارف الهی یاری رساندند. از خداوند متعال توفیق روز افزون، عاقبت به خیری و آمرزش الهی را برای تمامی این عزیزان خواستارم.

چکیده

شخصیت مجموعه ثابتی از خلیات و عادات است که به صورت وراثتی و یا به مرور زمان و در اثر تعلیم و تربیت، در وجود فرد به وجود آمده و ثابت شده و افکار، احساسات و اعمال فرد را تعیین می کند. بنابراین با تربیت صحیح، روح و روان و فکر انسان به خوبی شکل گرفته و شخصیت ایده آلی را در فرد نمایان می سازد.

خداوند متعال خود به عنوان اولین مربی به تربیت انسان اقدام کرده و هدف از ارسال پیامبران الهی و کتب آسمانی را تربیت انسانها قرار داده است. از سوی دیگر قرآن کریم تمام انسانها را نسبت به اهل خود مسئول می داند و از آنجا که کانون خانواده به دلیل نوع ارتباطات حاکم بر آن و وضعیت جسمی و روحی و روانی ویژه فرزند در آن، بهترین و اثرگذارترین کانون تربیتی است وظیفه بسیار سنگینی بر دوش والدین گذاشته شده است. بر این اساس در فصل دوم پس از بررسی مفاهیم شخصیت و تربیت در قرآن و بررسی ارتباط آن دو، عوامل مؤثر در رشد شخصیت و ویژگیهای شخصیت متعالی را بیان نمودیم.

رسیدن به هدف تربیت، نیازمند تدبیر صحیح امور و زمینه سازی مناسب دارد تا آن هدف به نحو مطلوب حاصل شود. اهمیت تربیت فرزند در فصل سوم به این موضوع می پردازیم. خداوند متعال در مسیر تربیت انسانها از روشهای گوناگونی بر طبق اقتضای زمان و مکان و مخاطب استفاده نموده است. والدین نیز می توانند از همین روشها بهره بگیرند. در فصل چهارم به این موضوع پرداخته شده است.

قرآن کتابی جامع و کامل است بنابراین از پرداختن به نقش اساسی والدین در این زمینه نیز فروگذار نکرده و در حقیقت با قرار دادن شکر والدین پس از شکر خداوند و توصیه های مکرر در احترام به والدین، به این مهم اشاره می کند که بعد از خداوند متعال که اولین مربی و مربی حقیقی انسانهاست، والدین مهمترین نقش را ایفاء می کنند.

در این پایان نامه سعی شده است تا با بررسی آیات قرآن کریم به روش تفسیری و استنباطی، این موضوع بررسی شود. پس از بررسی ابعاد مختلف این مسئله در فصول مختلف پایان نامه، به این نتیجه دست یافتیم که خداوند متعال در آیات مختلف قرآن کریم، چه به صورت صریح و مستقیم، و چه در ضمن مباحث و موضوعات مختلف به صورت غیرمستقیم به این نقش مهم اشاره کرده و تمام جنبه های شخصیتی فرزند را اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی مد نظر قرار داده است.

کلیدواژه ها: شخصیت، رشد، تربیت، والدین، فرزند، خانواده

فهرست مطالب

۱. فصل اول: کلیات..... ۱

- ۱-۱- بیان مسئله..... ۲
- ۲-۱- ضرورت تحقیق..... ۲
- ۳-۱- سؤالات تحقیق..... ۳
- ۱-۳-۱- سوال اصلی..... ۳
- ۲-۳-۱- سؤالات فرعی..... ۳
- ۴-۱- اهداف..... ۳
- ۵-۱- روش تحقیق..... ۳
- ۶-۱- پیشینه تحقیق..... ۳

۲. فصل دوم: مفاهیم و مبانی..... ۵

- ۱-۲- مبحث اول: مفهوم شناسی تربیت و شخصیت و مفاهیم مشابه..... ۶
- ۱-۱-۲- مفهوم شخصیت..... ۶
- ۱-۱-۱-۲- شاکله..... ۷
- ۲-۱-۱-۲- بنیان..... ۱۰
- ۳-۱-۱-۲- فطرت..... ۱۰
- ۴-۱-۱-۲- بلد طیب..... ۱۱
- ۵-۱-۱-۲- جِیلت..... ۱۲
- ۶-۱-۱-۲- خَلْق..... ۱۳
- ۲-۱-۲- مفهوم تربیت..... ۱۳
- ۱-۲-۱-۲- رب..... ۱۴
- ۲-۲-۱-۲- تزکیه..... ۱۵
- ۳-۲-۱-۲- هدایت..... ۱۶
- ۳-۱-۲- ارتباط میان تربیت و شخصیت..... ۱۷
- ۲-۲- مبحث دوم: عوامل و ویژگیهای شخصیت..... ۱۹
- ۱-۲-۲- عوامل شکل دهنده شخصیت..... ۱۹
- ۱-۱-۲-۲- وراثت..... ۱۹
- ۲-۱-۲-۲- محیط..... ۲۱
- ۱-۲-۱-۲-۲- محیط بیرون از خانواده..... ۲۲
- ۲-۲-۱-۲-۲- خانواده..... ۲۲
- الف. خانواده اولین کانون تربیتی و والدین اولین مربیان..... ۲۳
- ب. فطری بودن علاقه والدین به فرزند و رشد شخصیت او..... ۲۴
- ج. وجود زمینه بسیار مناسب تربیتی..... ۲۵
- د. ارتباط روحی و عاطفی تنگاتنگ والدین و فرزندان..... ۲۶
- ه. نقش مؤثر و مستقیم والدین و تأثیرپذیری بسیار زیاد فرزندان از والدین..... ۲۷

ب

۲۸	و. مسئولیت والدین در قبال فرزندان
۲۹	۳-۱-۲-۲. فطرت
۳۱	۲-۲-۲. ویژگیهای شخصیت اسلامی و ایمانی
۳۲	۱-۲-۲-۲. نداشتن ترس و نگرانی
۳۲	۲-۲-۲-۲. آرامش روحی و روانی
۳۴	۳-۲-۲-۲. کنترل خشم و کینه
۳۴	۴-۲-۲-۲. تسلط بر خواسته های نفسانی
۳۵	۵-۲-۲-۲. وحدت شخصیت
۳۶	۶-۲-۲-۲. صفا و نورانیت قلب
۳۷	خلاصه فصل

۳۸ فصل سوم: زمینه سازی والدین برای تربیت فرزندان از دیدگاه قرآن

۳۹	۱-۳. مبحث اول: زمینه های درونی
۳۹	۱-۱-۳. آماده شدن والدین از نظر روحی و روانی
۴۳	۲-۱-۳. دعای والدین برای فرزندان، قبل و بعد از تولد
۴۶	۳-۱-۳. سلامت جسمی والدین
۴۷	۴-۱-۳. تغذیه والدین
۴۸	۱-۴-۱-۳. انرژی و سلامت
۵۰	۲-۴-۱-۳. حلیت و حرمت
۵۱	۵-۱-۳. شکر بر نعمت فرزند
۵۴	۲-۳. مبحث دوم: زمینه های بیرونی
۵۴	۱-۲-۳. انتخاب همسر شایسته
۵۷	۲-۲-۳. ضرورت آیندهنگری و مشاوره والدین
۶۰	۳-۲-۳. فراهم نمودن محیط مناسب
۶۰	۱-۳-۲-۳. محیط آمیزش
۶۲	۲-۳-۲-۳. محیط رحم
۶۴	۳-۳-۲-۳. محیط بعد از تولد
۶۴	۱-۳-۳-۲-۳. محیط مادی
۶۶	۲-۳-۳-۲-۳. محیط معنوی
۷۳	۴-۲-۳. توجه به تغذیه کودک
۷۳	۱-۴-۲-۳. انرژی و سلامت
۷۷	۲-۴-۲-۳. حلیت
۷۷	۵-۲-۳. تعامل والدین در امر تربیت
۷۹	خلاصه فصل:

۸۰ فصل چهارم: اصول و روشهای تعلیم و تربیت

۸۱	مقدمه
----	-------	-------

۸۱	۱-۴.مبحث اول: اصول شناختی و رفتاری.....
۸۱	۱-۱-۴. اصول شناختی.....
۸۲	۱-۱-۱-۴. شناخت توانایی و قدرت فرزندان.....
۸۴	۲-۱-۱-۴. شناخت استعدادها و زمینه‌های رشد.....
۸۵	۳-۱-۱-۴. شناخت نیازهای فرزند.....
۸۵	الف. نیازهای جسمی.....
۸۶	ب. نیازهای روحی و روانی.....
۸۷	۴-۱-۱-۴. شناخت نوع ارتباط بین فرزندان.....
۸۹	۵-۱-۱-۴. شناخت تفاوت‌های فرزندان پسر و دختر.....
۹۰	۶-۱-۱-۴. شناخت محیط اجتماعی و مقتضیات آن.....
۹۱	۷-۱-۱-۴. شناخت اهداف تربیت و ایمان به آن.....
۹۳	۲-۱-۴. اصول رفتاری.....
۹۴	۱-۲-۱-۴. محبت.....
۹۵	الف. رعایت اعتدال در ابراز محبت.....
۹۶	ب. خارج نشدن از مسیر حق و حقیقت.....
۹۸	ج. توجه به حقوق دیگران.....
۹۹	۳-۲-۱-۴. کلام و لحن نیکو.....
۱۰۱	۴-۲-۱-۴. عدم فشار و تحمیل.....
۱۰۲	۵-۲-۱-۴. صبر و استقامت و مداومت و محافظت در امر تربیت.....
۱۰۳	۲-۴. مبحث دوم: روش‌های تربیت فرزند.....
۱۰۳	۱-۲-۴. الگویی.....
۱۰۴	۲-۲-۴. قصه گویی.....
۱۰۴	۳-۲-۴. تلقین.....
۱۰۵	۴-۲-۴. تکرار.....
۱۰۶	۵-۲-۴. مشاهده ای.....
۱۰۷	۶-۲-۴. هشدار و بشارت.....
۱۰۷	۷-۲-۴. مقایسه ای.....
۱۰۸	خلاصه فصل.....

۵. فصل پنجم: نقش والدین در رشد فضایل اخلاقی و آموزش واجبات دینی ۱۰۹

۱۱۰	۱-۵.مبحث اول: فضایل اخلاقی.....
۱۱۰	مقدمه.....
۱۱۱	۱-۱-۵. فضایل فردی.....
۱۱۱	۱-۱-۱-۵. پرورش عزت نفس.....
۱۱۱	۱-۱-۱-۱-۵. انتخاب نام نیکو.....
۱۱۳	۲-۱-۱-۱-۵. اعتماد به فرزند.....
۱۱۵	۳-۱-۱-۱-۵. مشورت با فرزند.....

- ۱۱۷ ۴-۱-۱-۱-۵ اجتناب از تحقیر
- ۱۱۸ ۵-۱-۱-۱-۵ وفای به عهد
- ۱۲۰ ۲-۱-۱-۱-۵ پرورش روحیه کار و تلاش
- ۱۲۰ ۱-۲-۱-۱-۵ سپردن مسئولیت در حدّ توان فرزند
- ۱۲۲ ۲-۲-۱-۱-۵ فراهم نمودن شرایط مناسب برای ورزش و بازی فرزند
- ۱۲۴ ۳-۱-۱-۱-۵ آموزش صبر
- ۱۲۵ ۱-۳-۱-۱-۵ صبر بر مصیبت
- ۱۲۷ ۲-۳-۱-۱-۵ صبر بر طاعات
- ۱۲۸ ۳-۳-۱-۱-۵ صبر بر معصیت
- ۱۲۹ ۴-۱-۱-۱-۵ یاد خداوند در هر حال
- ۱۳۰ ۱-۴-۱-۱-۵ اخلاص در عمل
- ۱۳۲ ۲-۴-۱-۱-۵ رضای پروردگار
- ۱۳۳ ۳-۴-۱-۱-۵ توکل بر خداوند
- ۱۳۴ ۴-۴-۱-۱-۵ عدم نومیذی از درگاه خداوند
- ۱۳۶ ۵-۴-۱-۱-۵ حسابرسی اعمال
- ۱۳۶ ۵-۱-۱-۱-۵ منش فردی
- ۱۳۶ ۱-۵-۱-۱-۵ میانه روی در امور
- ۱۳۷ ۲-۵-۱-۱-۵ نظم و انضباط فردی
- ۱۳۸ ۳-۵-۱-۱-۵ چشم پوشی و عدم دلبستگی به دنیا
- ۱۳۹ ۴-۵-۱-۱-۵ خودداری از شکم پرستی و شهوت پرستی
- ۱۴۰ ۵-۵-۱-۱-۵ خویشتن داری و حفظ اسرار
- ۱۴۱ ۶-۵-۱-۱-۴ تفکر و تعقل در امور
- ۱۴۳ ۲-۱-۱-۱-۵ فضایل اجتماعی
- ۱۴۴ ۱-۲-۱-۱-۵ منش اجتماعی
- ۱۴۴ ۱-۱-۲-۱-۵ تواضع و فروتنی
- ۱۴۷ ۲-۱-۲-۱-۵ نظم و انضباط اجتماعی
- ۱۴۸ ۳-۱-۲-۱-۵ عفت و پاکدامنی
- ۱۵۰ ۴-۱-۲-۱-۵ احترام به حریم خصوصی دیگران
- ۱۵۲ ۵-۱-۲-۱-۵ تعاون و همکاری
- ۱۵۳ ۶-۱-۲-۱-۵ احترام به قانون
- ۱۵۴ ۷-۱-۲-۱-۵ برخورد نیکو با دیگران
- ۱۵۵ ۲-۲-۱-۱-۵ ارزشهای انسانی
- ۱۵۵ ۱-۲-۲-۱-۵ ایثار و از خود گذشتگی
- ۱۵۶ ۲-۲-۲-۱-۵ توجه به ایمان و عقیده افراد
- ۱۵۸ ۳-۲-۲-۱-۵ توجه به اعتلای جامعه اسلامی
- ۱۵۹ ۴-۲-۲-۱-۵ نوع دوستی
- ۱۶۱ ۵-۲-۲-۱-۵ سبقت در کارهای خیر

۱۶۳ ۲-۵. مبحث دوم: واجبات دینی
۱۶۳ ۱-۲-۵. فرائض
۱۶۳ ۱-۱-۲-۵. نماز
۱۶۵ ۲-۱-۲-۵. امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۵ ۳-۱-۲-۵. جهاد
۱۶۷ ۴-۱-۲-۵. سایر فرائض
۱۶۷ ۲-۲-۵. عقاید
۱۶۹ ۱-۲-۲-۵. توحید
۱۷۱ ۲-۲-۲-۵. نبوت
۱۷۲ ۳-۲-۲-۵. معاد
۱۷۳ ۴-۲-۲-۵. عدل
۱۷۴ ۵-۲-۲-۵. امامت
۱۷۵ ۶-۲-۲-۵. اسلام و تسلیم
۱۷۷ خلاصه فصل
۱۸۱ کتابنامه

۱. فصل اول:

کلیات

۱-۱- بیان مسئله

شخصیت مجموعه ای از اعمال، افکار و احساسات فرد است که از طریق وراثت یا به مرور زمان در وجود فرد تثبیت شده و فرد را نسبت به دیگران متمایز نموده است و منظور از رشد شخصیت، ارتقاء سطح کیفی و کمی قابلیت‌ها، صفات و رفتار انسانی است. یکی از عوامل موثر در رشد شخصیت، تربیت است و دو عامل خانواده و اجتماع در این زمینه نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کنند. محیط خانواده به جهت نوع ارتباطات خاص میان اعضای آن و سنین بسیار حساس و کلیدی فرزند در این ایام بیشترین تأثیر را می‌گذارد.

به این نقش در کلام ائمه طاهریین علیهم‌السلام و آمار و بررسیهای روانشناسان، به خوبی اشاره شده، ولی از آنجایی که این مسئله از مسائل اساسی و بنیادین در ساختن فرد و اجتماع انسانهاست و از سویی زیربنای تمام معارف انسانی و اصول اخلاقی، معارف قرآن کریم است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در میان آموزه های ناب تربیتی قرآن، به این مسئله نیز توجه شده است؟ چگونه و به چه میزان، والدین را راهنمایی نموده است.

قلمرو منبعی این تحقیق، آیات قرآن کریم می‌باشد، ولی به عنوان توضیح و تفسیر این آیات، از برخی احادیث و روایات مرتبط نیز استفاده شده، و از آنجایی که تأثیر گذاری درست والدین، نیاز به رعایت اصول و زمینه سازیهایی دارد، به همین منظور این دو مسئله را نیز در فصولی جداگانه، از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲- ضرورت تحقیق

با بررسی اجمالی کتب تربیتی مرتبط با این موضوع، به نظر رسید که در این کتب از آیات شریفه قرآن کمتر بهره گرفته شده، همچنین با بررسی اجمالی کنوانسیون حقوق کودکان، کاستیهای آشکاری از جهت ساختار و محتوا در آن به چشم می‌خورد. بنابراین جا دارد که انسان با نگاه دقیقتری این منبع بی‌کران و بدون عیب و نقص الهی را مورد بررسی قرار داده تا از آن بیشتر بهره گرفته و آن را بهتر به جهانیان معرفی کند.

۱-۳- سوالات تحقیق

۱-۳-۱- سوال اصلی

از نظر قرآن والدین چه نقشی در شکل گیری شخصیت فرزندان دارند؟ به چه اندازه و به چه شکل این نقش بیان شده است؟

۱-۳-۲- سوالات فرعی

۱-۳-۲-۱) از دیدگاه قرآن، عوامل مؤثر در تربیت فرزند کدامند؟

۱-۳-۲-۲) از نظر قرآن، والدین چه زمینه هایی را می توانند برای تربیت بهتر فرزندان خود فراهم سازند؟

۱-۳-۲-۳) والدین باید چه اصولی را در تعلیم و تربیت فرزند خود در نظر بگیرند؟ و از چه روشهایی می توانند در این مسیر بهره ببرند؟

۱-۴- اهداف

۱-۴-۱) بهره گیری هر چه بیشتر و بهتر از معارف قرآن کریم در سایه تفسیر قرآن به قرآن و ترسیم اصول شکل گیری شخصیت فرزندان از دیدگاه قرآن.

۱-۴-۲) ارائه راهکارهای تربیتی در این زمینه به والدین از ناحیه قرآن کریم.

۱-۴-۳) انگیزه ای برای تدبر و تفکر هر چه عمیقتر در آیات قرآن و استخراج آموزه های ناب آن از ناحیه پژوهشگران یا مؤسسات آموزشی و پژوهشی.

۱-۵- روش تحقیق

روش تفسیری-استنباطی

۱-۶- پیشینه تحقیق

آنچه در بررسیهای ابتدایی به دست آمد، آنست که در رابطه با موضوع، به دلیل اهمیت آن تحقیقات فراوانی تاکنون صورت گرفته، تا جایی که حتی پس از بی توجهی برخی از ملل به این مسئله و آشکار شدن نتایج سوء این بی توجهی، ملتها برآن شدند تا بمنظور دفاع از حقوق کودکان، کنوانسیون بین المللی حقوق کودکان را به تصویب برسانند. لازم به ذکر است که در اکثر این تحقیقات کمتر از آیات قرآن استفاده شده و بیشتر احادیث و روایات و کلام روانشناسان مورد نظر است. به عنوان نمونه در کتب ذیل، در کنار محاسن بسیار آنها، این کمبود به چشم می خورد:

الف) ابراهیم امینی، «اسلام و تعلیم و تربیت» ج ۱: به نظر میرسد بهتر بود در این کتاب، عناوین «ضرورت تربیت اخلاقی و جنبه های انسانی» در ابتدای بحث مطرح می شد. همچنین در این کتاب به فضایل اخلاقی و اصول عقاید انسان کمتر پرداخته شده و علاوه بر اینها، از آیات قرآن نیز کمتر بهره گرفته شده است.

ب) حسین مظاهری، «تربیت فرزند از نظر اسلام»: در این کتاب نیز نظم و انسجام بین مطالب و مباحث آنچنان که باید رعایت نشده، به عنوان نمونه مباحث «تعلیم و تعلم اولاد» و «وظایف پدر و مادر» می بایست در صدر مباحث قرار گیرد. همچنین به نقش والدین در رشد عقیدتی و فضیلتی فرزندان آنچنان که باید پرداخته نشده و بسیاری از مباحث از قلم افتاده است.

ج) سید علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱: «تربیت فرزند»: در این کتاب علیرغم اینکه از روایات و احادیث، بسیار و به خوبی استفاده شده ولی به ندرت از آیات قرآن بهره گرفته شده است.

د) سید محمد باقر حجتی، «اسلام و تعلیم و تربیت» ج ۱: در این کتاب بیشتر، اهمیت تعلیم و تربیت مورد تأکید قرار گرفته و تا حدی به نقش والدین پرداخته شده، ولی دیدگاه قرآن کریم کمتر مورد توجه قرار گرفته و قاعدتاً به بسیاری از فضایل اخلاقی و عقاید کودک کمتر پرداخته شده، یا بطور کلی پرداخته نشده است

۲. فصل دوم:

معانی و مبانی

۲-۱. مبحث اول: مفهوم شناسی تربیت و شخصیت و مفاهیم مشابه

۲-۱-۱. مفهوم شخصیت

۲-۱-۲. مفهوم تربیت

۲-۱-۳. ارتباط میان آندو

۲-۱-۱. مفهوم شخصیت

روانشناسان با بیانهای مختلفی، تعاریفی از شخصیت ارائه داده‌اند ولی با دقت در این تعاریف بدست می‌آید که آن تعاریف ماهیتاً با یکدیگر تفاوتی ندارد و تنها با تعبیرات مختلف مطرح شده‌اند؛
اریک فروم می‌گوید: «منظور از شخصیت مجموع کیفیتهای موروثی و اکتسابی است که خصوصیت فرد بوده و او را منحصر بفرد می‌کند. فرق بین کیفیتهای موروثی و اکتسابی، معادل فرق بین مزاج، استعدادها و کلیه کیفیتهای ذاتی از یک طرف، و منش از طرف دیگر است، درحالیکه اختلافات مزاجی جنبه اخلاقی ندارند، تفاوتها و اختلافات در منش مشکل اصلی اخلاقی هستند... مزاج به چگونگی واکنش دلالت دارد ذاتی و تغییرناپذیر است، اما منش نتیجه تجربیات شخص، بخصوص تجربیات سالهای اولیه زندگی بوده و با درونگرایی و تجربیات نوین تغییرپذیر است.»^۱
آلن.ا.راس اینگونه می‌گوید: «شخصیت ترکیبی از اعمال، افکار، هیجانات و انگیزشهای فرد است، شخصیت افراد منحصر به فرد می‌باشد، اما شخصیت افراد مختلف، دارای وجوه اشتراک خاصی است، بنابراین شخصیت را میتوان از این جهت که چگونه مردم با هم متفاوت هستند و یا این که در چه چیزی به یکدیگر شباهت دارند مورد مطالعه قرار داد.»^۲

در کتاب «انسان کامل از دیدگاه اسلام و روانشناسی» شخصیت اینگونه تعریف شده است: «شخصیت، مجموعه ثابتی از خصلتها و گرایشهایی است که آن دسته از وجوه اشتراک و تفاوتهای رفتار روانشناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را تعیین می‌کند که استمرار زمانی دارند و از طرفی ممکن نیست به سادگی، آنها را به عنوان نتیجه اختصاص فشارهای اجتماعی و زیست‌شناختی موقتی فهم کنیم.... گرایشها، فرآیندهایی است که جهت‌گیری در افکار، احساسات و اعمال را معین می‌کنند (که بنظر ایشان، ایمان، گرایش هسته‌ای و جهت کلی زندگی مومن است) و خصلتها،

۱. اریک فروم، انسان برای خویشتن، ترجمه اکبر تبریزی، ص ۶۷، ۶۶.

۲. آلن.ا.راس، روانشناسی شخصیت، ترجمه سیاوش جمالفر، ص ۱۳.

ساختارهای ثابت شخصیتند که نه برای حرکت بسوی اهداف یا تحقق کارکردها، بلکه برای تعیین واقعیت و محتوای اهداف یا مقتضیات به کار می‌روند، و یا برای تبیین افکار، احساسات و اعمالی که تکرار می‌شوند به کار می‌روند. (به عنوان نمونه ایشان، رضا را یکی از ساختارهای اصلی شخصیت مؤمن به شمار می‌آورد که یک حالت نفسانی است که نسبت به قضا و قدر الهی تسلیم است و در همه ابعاد زندگی نمودار می‌گردد.)^۱

در جمع بین تعاریف فوق می‌توان اینگونه گفت که؛ شخصیت مجموعه ثابتی از خلیقات و عادات است که به صورت وراثتی و یا به مرور زمان و در اثر تعلیم و تربیت، در وجود فرد به وجود آمده و ثابت شده و افکار، احساسات و اعمال فرد را تعیین می‌کند. بنابراین با تربیت صحیح، روح و روان و فکر انسان به خوبی شکل گرفته و شخصیت ایده آلی را در فرد نمایان می‌سازد.

روشن است که اعمال و افکار و احساسات هر فرد، طبق جهانی و نوع نگاه او نسبت به خود و جهان بیرون از خود شکل می‌گیرد که به این مطلب در تعریف سوم اشاره شد. لذا هر فرد هدف نهایی خود را منطبق بر نوع جهانی خود طرح‌ریزی کرده و با ایمان به آن، اعمال و افکار و احساسات خود را پایه‌ریزی می‌کند. بنابراین نوع جهانی و ایدئولوژی، زیربنای شخصیت افراد را می‌سازد و مجموعه‌ای از ویژگیهای بادوام و منحصر به فرد را بوجود می‌آورد که بسته به میزان قوت و ضعف آنها، شخصیت افراد با یکدیگر متفاوت می‌شود.

در تفسیر راهنما اینگونه آمده است؛ جهان بینی انسان پایه و اساس اعمال و رفتار اوست،^۲ و ایدئولوژی اسلام، برخاسته از جهانی است،^۳ بنابراین تفاوت عمیق انسانها با یکدیگر در جهانی، عقیده، عمل و اخلاق آنهاست.^۴

حال مفهوم شخصیت را در قرآن، بوسیله کلید واژه‌هایی که بر مفهوم شخصیت دلالت دارند بررسی می‌کنیم؛

۲-۱-۱-۱-۱. شاکله

خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»؛ بگو: هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است،

۱. مسعود، آذربایجانی، انسان کامل از دیدگاه اسلام و روانشناسی، شماره ۹، ص ۶ (۱۴).

۲. اکبر، هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۱ ص ۷۱.

۳. همان، ج ۳ ص ۳۶۱.

۴. همان، ج ۲ ص ۴۰.

بهرتر می‌شناسد.^۱

"شاکله" از ماده شکل می‌باشد که به معنای بستن پای چارپا است، و آن طنابی را که با آن پای حیوان را می‌بندند "شکال" (به کسر شین) می‌گویند، و "شاکله" به معنای خوی و اخلاق است، و اگر خلق و خوی را شاکله خوانده‌اند بدین مناسبت است که آدمی را محدود و مقید می‌کند و نمی‌گذارد در آنچه می‌خواهد آزاد باشد، بلکه او را وادار می‌سازد تا به مقتضا و طبق آن اخلاق رفتار کند.^۲

طبرسی معتقد است:

"شاکله" به معنای طریقت و مذهب است. وقتی گفته می‌شود: این طریقت دارای شاکله‌ها است معنایش این است که "هر جمیعی از آن راه دیگری برای خود جدا کرده‌اند." گویا "طریقه" و "مذهب" را از این جهت "شاکله" خوانده‌اند که رهروان و منسوبین به آن دو، خود را ملتزم می‌دانند که از آن راه منحرف نشوند.^۳

تفاسیر نمونه و راهنما منظور از «شاکله» را در اینجا خلیقات ذاتی و عادات اکتسابی می‌دانند که به مرور زمان و در اثر تربیت، تمرین و تکرار بوجود می‌آیند. در این تفاسیر آمده است:

شاکله به دو معناست؛ یکی شخصیت و خلیقات ذاتی و دیگری خلیقات و عادات اکتسابی است، برداشت فوق به قرینه آیه قبل، مبتنی بر معنای دوم است.^۴ بنابراین انسانها طبق روحیاتشان عمل می‌کنند، روحیاتی که بر اثر تعلیم و تربیت و اعمال مکرر خود انسان شکل گرفته است.^۵

علامه طباطبایی (ره) همین معنا را با بیان دیگری مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌فرماید؛

آدمی دارای یک شاکله نیست، بلکه شاکله‌ها دارد، یک شاکله آدمی زائیده نوع خلقت و خصوصیات ترکیب مزاج اوست، که شاکله‌ای شخصی و خلقتی است، و از فعل و انفعالاتی که از فعل و انفعالات بدنی او حاصل می‌شود؛ مانند مزاج او که یک کیفیت متوسطه‌ای است که از فعل و انفعالات کیفیهای متضاد با یکدیگر حاصل می‌شود. شاکله دیگر او خصوصیتی است خلقی که علاوه بر شاکله، از ناحیه تاثیر عوامل خارج از ذاتش در او

۱. اسراء، ۸۴.

۲. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات، ذیل واژه «شکل».

۳. علی، طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۴، جزء ۱۵، ص ۹۰.

۴. اکبر، هاشمی رفسنجانی، همان، ج ۱۰ ص ۱۶۷.

۵. ناصر، مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲ ص ۲۴۴.